

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فقه الوصية
از شرایع الاسلام با ترجمه فارسی



مؤلف: مُحَقِّقُ الْحَلِيِّ (أبو القاسم نجم الدين جعفر بن حسن رحمته الله)
مترجم: مهدی رحیمی

انتشارات چتر دانش

سرشناسه	: رحیمی، مهدی، ۱۳۶۴ -
عنوان قراردادی	: شرایع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام . فارسی - عربی. برگزیده. شرح
عنوان و نام پدیدآور	: فقه الوصیه از شرایع الاسلام با ترجمه فارسی / مؤلف محقق الحلی (ابوالقاسم نجم‌الدین جعفرین حسن رحمه‌الله)؛ مترجم [او شارح] مهدی رحیمی.
مشخصات نشر	: تهران: چتر دانش، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	: ۵۱ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰-۱۸۶-۸
وضعیت فهرست‌نویسی: فیا	
یادداشت	: کتاب حاضر شرح بخشی از کتاب «شرایع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام» تألیف محقق حلی است.
موضوع	: محقق حلی، جعفرین حسن، ۶۰۲ - ۶۷۶ق. شرایع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام -- نقد و تفسیر
موضوع	: فقه جعفری -- قرن ۷ق.
موضوع	: Islamic law, Ja'fari -- 13th century*
موضوع	: وصیت و وصیت‌نامه‌ها (فقه)
موضوع	: Wills (Islamic law)
شناسه افزوده	: محقق حلی، جعفرین حسن، ۶۰۲ - ۶۷۶ق. شرایع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام. برگزیده. شرح
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۶ ۴۰۴۲۳۴۵۷ ش ۳/م ۱۸۲/ب P
رده بندی دیویی	: ۲۹۷/۳۴۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۹۱۸۲۵۰

نام کتاب	: فقه الوصیه از شرایع الاسلام با ترجمه فارسی
ناشر	: چتر دانش
مترجم	: مهدی رحیمی
نوبت و سال چاپ	: دوم - ۱۳۹۸
شمارگان	: ۱۰۰۰
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰-۱۸۶-۸
قیمت	: ۳۵۰۰۰ تومان

فروشگاه مرکزی: تهران، میدان انقلاب، خ منبری جاوید (ار دیبهشت شمالی)، پلاک ۸۸

تلفن مرکز پخش: ۶۶۴۹۲۳۲۷ - تلفن فروشگاه کتاب: ۶۶۴۰۲۳۵۳

پست الکترونیک: nashr.chatr@gmail.com

کلیه حقوق برای مؤلف و ناشر محفوظ است.

سخن ناشر

رشته‌ی حقوق با تمام شاخه‌ها و گرایش‌هایش، به‌منزله‌ی یکی از پرتعدادترین رشته‌های دانشگاهی کشور، تعداد فراوانی از دانشجویان علوم انسانی را به‌خود جلب کرده است؛ دانشجویانی که پس از تحصیل، وارد عرصه‌ی خدمت شده و در مناصب و جایگاه‌های گوناگون به ایفای وظیفه مشغول می‌شوند.

منابعی که در دانشکده‌های حقوق، مبنای کار قرار گرفته و تحصیل دانشجویان بر مدار آن‌ها قرار دارد، در واقع، مجموعه‌ی کتب و جزواتی هستند که طی سالیان متمادی چنان‌که باید تغییر نیافته و خود را با تحولات و نیازهای زمانه هماهنگ نکرده‌اند.

این، درحالی است که نیاز مبرم دانش‌پژوهان به مجموعه‌های پربار و سودمند، امری انکارناپذیر است. به‌این‌ترتیب، ضرورت تدوین کتب غنی و ارزشمند برای رفع نیازهای علمی دانشجویان رشته‌ی حقوق و نیز رشته‌های متأثر از آن، باید بیش از گذشته مورد توجه قرار گیرد؛ کتاب‌هایی که روزآمدی محتوای آنها از یک سو و تناسب آنها با نیاز دانش‌پژوهان از سوی دیگر، مورد توجه و لحاظ ناشر و نویسنده، قرار گرفته باشد.

مؤسسه‌ی آموزش عالی آزاد چتردانش، در مقام مؤسسه‌ای پیشگام در امر نشر کتب آموزشی روزآمد و غنی، توانسته است گام‌های مؤثری در همراهی با دانشجویان رشته‌ی حقوق بردارد. این مؤسسه افتخار دارد که با بهره‌مندی از تجربیات فراوان خود و با رصد دقیق نیازهای علمی دانشجویان، به تولید آثاری همت‌گمارد که مهم‌ترین دستاورد آن‌ها، تسهیل آموزش و تسریع یادگیری پژوهندگان باشد. انتشارات چتر دانش امیدوار است با ارائه‌ی خدمات درخشان، شایستگی‌های خود را در این حوزه‌ی علمی بیش از پیش به منصفی ظهور برساند.

فرزاد دانشور

مدیر مسئول انتشارات چتر دانش

فهرست

۵.....	مقدمه
۶.....	کتاب وصیت‌ها
۶.....	وصیت
۱۰.....	موصی (وصیت کننده)
۱۲.....	وصیت شده
۲۰.....	درباره وصیت مبهم
۲۳.....	احکام وصیت
۲۹.....	درباره موصی له
۳۳.....	درباره وصی
۴۱.....	ملحقات وصیت
۴۷.....	تصرفات مریض

مقدمه مترجم

الحمد لله رب العالمين و الصلاة والسلام على خير خلقه و أشرف بریته محمد المصطفى و آله الطيبين الطاهرين و لعنة الله على اعدائهم الى يوم الدين

این کتاب ترجمه و شرحی در تبیین کتاب شرائع الاسلام تألیف جعفر بن حسن محقق حلی است. مرحوم محقق حلی از مشهورترین فقهای عصر خویش است و دارای عظمت و اعتبار خاص در میان مجتهدان می‌باشد، به حدی که وقتی کلمه «محقق» را بدون قرینه و نشانه‌ای در میان فقها ذکر کنند، شخصیت تحقیقی و علمی ایشان مورد نظر است.

محقق حلی فقه و اصول را در نزد پدرش حسن بن یحیی آموخت و از محضر فقهای مشهور حله، مانند ابن نما و سید فخر موسوی - شاگرد ابن ادریس حلی - بهره برد. محقق با یک واسطه شاگرد ابن زهره و ابن ادریس حلی است و استاد علامه حلی بوده است.

مرحوم محقق در زمینه‌های منطق، کلام و ریاضیات و هیئت تبحر داشته است و خواجه نصیرالدین طوسی متکلم و ریاضی‌دان مشهور، با او در حله ملاقات کرده است و در جلسه درسش حضور یافته است. کتابهای محقق همچون معارج الاصول، تلخیص الفهرست، شرح نکت النهایه و معارج الاحکام و... مخصوصاً کتاب شرائع الاسلام همیشه مورد توجه طلاب است چرا که این کتاب مشتمل بر فتوای مشهور فقهای قدیم می‌باشد. و فقهای بسیاری این کتاب را شرح کرده و یا حاشیه بر آن نوشته‌اند.

محقق حلی در سال ۶۷۶ ه.ق در سن ۷۴ سالگی بدرود حیات گفت و بدن مطهر ایشان را در جوار بارگاه امیرالمؤمنین (علیه السلام) به خاک سپردند. (و بنا به نقل علامه سید حسن صدر صاحب کتاب تأسیس الشیعه در حله به خاک سپردند).

کتاب حاضر متن و ترجمه بخش وصیت از کتاب شرائع الاسلام است که به صورت مستقل از دیگر بخش‌های این کتاب منتشر می‌گردد.

ما در این کتاب سعی کرده‌ایم که با شرح و آوردن مثالهای آسان، کلمات آن بزرگوار را تبیین نماییم تا موجب تسهیل طلاب و دانشجویان که قصد خواندن این کتاب ارزشمند را دارند، شود و خداوند را شاکرم که توفیق این امر را برای حقیر فراهم نمود.

در پایان از همه کسانی که بنده را در چاپ و نشر این مجموعه یاری رساندند کمال تشکر را دارم.

مهدي رحيمي

اردیبهشت ۱۳۹۶

کتاب الوصایا

وَ النَّظْرُ فِي ذَلِكَ يَسْتَدْعِي فُضُولًا:

الأول: في الوصية

- ۱ وَ هِيَ تَمْلِكُ عَيْنٍ أَوْ مَنَفَعَةٍ بَعْدَ الْوَفَاةِ. وَ يَمْتَقِرُ إِلَيْهَا إِجْبَابٌ وَ قَبُولٌ.
- ۲ وَ الْإِجْبَابُ كُلُّ لَفْظٍ دَلَّ عَلَيَّ ذَلِكَ الْقَصْدِ كَقَوْلِهِ أَعْطُوا فُلَانًا بَعْدَ وَفَاتِي أَوْ لِفُلَانٍ كَذَا بَعْدَ وَفَاتِي، أَوْ أُوصِيَتْ لَهُ.
- ۳ وَ يَنْتَقِلُ بِهَا الْمَلِكُ إِلَى الْمَوْصِي لَهُ، بِمَوْتِ الْمَوْصِي وَ قَبُولِ الْمَوْصِي لَهُ، وَ لَا يَنْتَقِلُ بِالْمَوْتِ مُنْفَرِدًا عَنِ الْقَبُولِ، عَلَيَّ الْأَظْهَرِ.

کتاب وصیتها

بحث درباره‌ی وصیتها شامل چند فصل خواهد بود.

اول: تعریف وصیت

- ۱ وصیت عبارت است از مالک کردن چیزی و یا منفعت شی‌ای بعد از وفات. و نیازمند ایجاب و قبول است.
- ۲ ایجاب هر لفظی است که دلالت بر آن مقصود بکند، مثل اینکه (وصیت کننده) می‌گوید: بعد از مرگم به فلانی چیزی بدهید، و یا آن شی‌ی کذا، بعد از مرگ من برای فلانی است، و یا می‌گوید: برای او وصیت کردم.
- ۳ و ملکیت با مرگ وصیت کننده و قبول کردن وصیت شده (موصی له) به موصی له منتقل می‌شود، و بدون قبول (از جانب او) و فقط با مرگ وصیت کننده، بنابر نظر ظاهرتر، ملک به موصی له منتقل نمی‌شود.

۴ وَ لَوْ قَبِلَ قَبْلَ الْوَفَاةِ جَازًا، وَ بَعْدَ الْوَفَاةِ آكِدًا، وَ اِنْ تَأَخَّرَ الْقَبُولُ عَنِ الْوَفَاةِ، مَا لَمْ يَرُدَّ. فَإِنْ رَدَّ فِي حَيَاةِ الْمُوصِي، جَازًا أَنْ يَقْبَلَ بَعْدَ وَفَاتِهِ إِذْ لَا حَكْمَ لِذَلِكَ الرَّدِّ. وَ اِنْ رَدَّ بَعْدَ الْمَوْتِ وَ قَبِلَ الْقَبُولَ بَطْلًا. وَ كَذَا لَوْ رَدَّ بَعْدَ الْقَبْضِ وَ قَبِلَ الْقَبُولَ.

۵ وَ لَوْ رَدَّ بَعْدَ الْمَوْتِ وَ الْقَبُولِ وَ قَبِلَ الْقَبْضَ، قِيلَ: تَبْطُلُ، وَ قِيلَ: لَا تَبْطُلُ، وَ هُوَ أَشْبَهُهُ. أَمَّا لَوْ قَبِلَ وَ قَبِضَ ثُمَّ رَدَّ لَمْ تَبْطُلْ إِجْمَاعًا، لِتَحَقُّقِ الْمَلِكِ وَ اسْتِثْرَارِهِ وَ لَوْ رَدَّ بَعْضًا وَ قَبِلَ بَعْضًا، صَحَّ فِيمَا قَبِلَهُ. وَ لَوْ مَاتَ قَبْلَ الْقَبُولِ قَامَ وَارِثُهُ مَقَامَهُ فِي قَبُولِ الْوَصِيَّةِ.



۴ و اگر موصی له، وصیت را قبل از وفات موصی قبول کند جایز است، اما قبول آن، بعد از وفات، تأکید بیشتری شده است، (چرا که آن زمان، وقت انتقال ملک از موصی، به موصی له است). بنابراین، در زمان قبولش تأکید بیشتری شده است (تا قبل از وفات) اگر چه قبول موصی له از زمان وفات موصی، به تأخیر بیفتد، البته نباید قبل از قبول آن را رد کرده باشد. بنابراین اگر در زمان حیات وصیت کننده آن را رد کند، جایز است که بعد از وفاتش آن را قبول کند؛ چرا که آن رد (در زمان حیات موصی) حکمی ندارد. و اگر بعد از مرگ (موصی) و قبل از قبول (وصیت) آن را رد کند وصیت باطل می شود. همچنین اگر بعد از قبض و تحویل وصیت و قبل از قبول کردن آن را رد کند وصیت باطل می شود.

۵ و اگر بعد از مرگ موصی و قبول کردن وصیت، اما قبل از تحویل و قبض، آن را رد کند، گفته شده: باطل می شود، و یک نظر این است که: باطل نمی شود، و این نظر دوم به واقع نزدیکتر است. اما اگر آن را قبول کند و تحویل بگیرد و سپس رد کند، به اجماع همه ی فقها باطل نمی شود، چرا که ملکیت تحقق پیدا کرده و مستقر شده است. و اگر قسمتی از آن را رد کند و قسمت دیگر آن را قبول کند، در آن قسمتی که قبول کرده وصیت صحیح است. و اگر موصی له (وصیت شده) قبل از قبول وصیت بمیرد، وارث او در قبول کردن وصیت جانشین او خواهد بود.

فَرَعٌ

۶ لَوْ أَوْصَى بِجَارِيَةٍ وَ حَمَلَهَا لِرَؤُوجِهَا وَ هِيَ حَامِلٌ مِنْهُ، فَمَاتَ قَبْلَ الْقَبُولِ، كَانَ الْقَبُولُ لِلْوَارِثِ. فَإِذَا قَبِلَ، مَلَكَ الْوَارِثُ الْوَلَدَ إِنْ كَانَ مِمَّنْ يَصِحُّ لَهُ تَمَلُّكُهُ، وَ لَا يَنْعَتُقُ عَلَيِ الْمَوْصِي لَهُ، لِأَنَّهُ لَا يَمْلِكُ بَعْدَ الْوَفَاةِ، وَ لَا يَرِثُ أَبَاهُ لِأَنَّهُ رِقٌّ إِلَّا أَنْ يَكُونَ مِمَّنْ يَنْعَتُقُ عَلَيِ الْوَارِثِ وَ يَكُونُوا جَمَاعَةً، فَيَرِثُ لِعَتَقِهِ قَبْلَ الْقِسْمَةِ



فرع مسأله

۶ اگر (کسی که کنیزش را به ازدواج شخصی درآورده و با او شرط کرده که فرزند متولدشده از این ازدواج، مملوک باشد نه آزاد) سپس وصیت کند که آن کنیز و فرزندش، مال شوهر کنیز که از او باردار شده، باشد و آن شوهر قبل از قبول کردن وصیت، بمیرد، ورثه‌ی آن شوهر می‌توانند آن وصیت را قبول کنند. و در صورتی که ورثه، آن وصیت را قبول کند، اگر آن فرزند وصیت شده، از کسانی باشد که می‌توان مالک آن شد، ورثه، مالک آن فرزند خواهند شد. (مثلاً اگر آن فرزند متولد شده پسر باشد و ورثه‌ی موصی له هم پسر او باشد، در این صورت این پسر می‌تواند مالک برادرش بشود ولی اگر آن فرزند متولد شده دختر باشد، پسر موصی له نمی‌تواند مالک آن بشود؛ زیرا محارم شخص وقتی مملوک او شوند آزاد می‌گردند) ولی آن فرزند متولد شده به خاطر اینکه به پدرش وصیت شده است (که صاحب آن شود) آزاد نمی‌شود، چرا که موصی له (پدر آن فرزند) بعد از مرگ موصی، آن وصیت را قبول نکرده بود که مالک آن شود، و آن فرزند متولد شده هم از پدرش (که اکنون مرده است) چیزی ارث نمی‌برد؛ چرا که او هنوز برده و مملوک است، (و یکی از موانع ارث، مملوک بودن است) مگر اینکه آن فرزند متولد شده از کسانی باشد که بعد از قبول وصیت توسط وارث آزاد می‌شود (مثلاً آن فرزند متولد شده دختر باشد و وارث موصی له هم پسر او باشد؛ در این صورت، آن دختر آزاد می‌شود چون از محارم وارث است) در این صورت، ورثه از یک نفر بیشتر خواهد بود، و آن فرزند متولد شده هم ارث می‌برد؛ چرا که قبل از تقسیم ترکه آزاد شده است.

۷ وَ لَا تَصْحُ الْوَصِيَّةُ فِي مَعْصِيَةٍ. فَلَوْ أَوْصِيَ بِمَالٍ لِلْكَنَائِسِ أَوْ الْبَيْعِ أَوْ كِتَابَةِ مَا يُسَمَّى
الآن تَوْرَةً أَوْ إِنْجِيلًا أَوْ فِي مُسَاعَدَةِ ظَالِمٍ بَطَلَتْ الْوَصِيَّةُ.

۸ وَ الْوَصِيَّةُ: عَقْدٌ جَائِزٌ مِنْ طَرَفِ الْمُوصِي مَا دَامَ حَيًّا، سِوَاءَ كَانَتْ بِمَالٍ أَوْ وَلايَةٍ.

۹ وَ يَتَحَقَّقُ الرُّجُوعُ بِالتَّصْرِيحِ، أَوْ بِفِعْلِ مَا يُنَافِي الْوَصِيَّةَ. فَلَوْ بَاعَ مَا أَوْصِيَ بِهِ، أَوْ أَوْصِيَ
بِبَيْعِهِ أَوْ وَهَبَهُ وَ قَبَضَهُ أَوْ رَهَنَهُ، كَانَ رُجُوعًا.



۷ وصیت کردن در مورد معصیت و گناه صحیح نیست. بنابراین اگر مالی را برای کنیسه‌ها (عبادتگاه مسیحیان) و یا عبادتگاه یهودیان وصیت کند، و یا برای نوشتن کتابهایی که امروزه به اسم تورات و انجیل مشهور است وصیت کند، و یا برای یاری ظالمان وصیت کند آن وصیت باطل است.

۸ و وصیت از جانب وصیت کننده تا وقتی که زنده است عقدی جایز است، (و او می‌تواند آن وصیت را الغاء کند) فرقی هم نمی‌کند که مالی را برای کسی وصیت کرده باشد و یا کسی را وصی خود در ولایت (بر فرزندان) قرار دهد.

۹ الغاء و رجوع از وصیت، یا با گفتن صریح محقق می‌شود یا با انجام کاری که منافی وصیت باشد محقق می‌شود. بنابراین، اگر آنچه را که وصیت کرده است بفروشد یا وصیت کند که آن را بفروشند و یا آن را هدیه دهد و یا (دینی را که طلب دارد و وصیت کرده که بدهکار آن را به شخصی بدهد) خودش قبض کند (و از بدهکار تحویل بگیرد) و یا آن مال وصیت شده را به رهن بگذارد، همه‌ی این موارد رجوع از وصیت است.

۱۰ وَ كَذَا لَوْ تَصَرَّفَ فِيهِ تَصَرُّفًا أَخْرَجَهُ عَنِ مُسَمَّاهُ، كَمَا إِذَا أَوْصَى بِطَعَامٍ فَطَخَنَهُ، أَوْ بِدَقِيقٍ فَعَجَنَهُ أَوْ حَبَزَهُ، وَ كَذَا لَوْ أَوْصَى بِرَيْتٍ فَحَلَطَهُ بِمَا هُوَ أَجُودٌ مِنْهُ. أَوْ بِطَعَامٍ فَمَزَجَهُ بِغَيْرِهِ حَتَّى لَا يَتَمَيَّزُ.

۱۱ أَمَّا لَوْ أَوْصَى بِخُبْزٍ فَدَقَّتْ فَتَيْتًا، لَمْ يَكُنْ رُجُوعًا.

الثانى: فى الموصى

۱۲ وَ يُعْتَبَرُ فِيهِ: كَمَالُ الْعَقْلِ وَ الْحُرِّيَّةُ فَلَا تَصِحُّ وَصِيَّةُ الْمَجْنُونِ، وَ لَا الصَّبِيِّ مَا لَمْ يَبْلُغْ عَشْرًا. فَإِنْ بَلَغَهَا فَوَصِيَّتُهُ جَائِزَةٌ فِي وُجُوهِ الْمَعْرُوفِ، لِأَقَارِبِهِ وَ غَيْرِهِمْ عَلَي الْأَشْهُرِ، إِذَا كَانَ بَصِيرًا. وَ قِيلَ: تَصِحُّ وَ إِنْ بَلَغَ ثَمَانٍ، وَ الرَّوَايَةُ بِهِ شَاذَةٌ.

۱۰ همچنین اگر در آن مال وصیت شده تصرفی بکند، که آن را از اسم اصلی اش خارج کند، وصیت باطل می شود. مثلاً اگر به گندم و جو وصیت کند و بعد خودش آن را آرد کند، و یا به آرد وصیت کند و خودش آن را خمیر کند یا بپزد، و یا به روغن وصیت کند و آن روغن را با روغنی که از آن مرغوب تر است مخلوط کند. یا به گندم و جو وصیت کند و آن را با گندم و جو دیگری مخلوط کند که امکان جدا کردن آن نباشد، وصیت باطل می شود.

۱۱ اما اگر به نان وصیت کند و آن نان را قطعه قطعه کند رجوع از وصیت به حساب نمی آید.

فصل دوم: موصى (وصیت کننده)

۱۲ در وصیت کننده شرط است که عقل کامل داشته باشد و آزاد باشد. بنابراین، وصیت کردن دیوانه و کودک نابالغی که به ده سالگی نرسیده باطل است. اما کودکی که به ده سالگی رسیده، اگر در کارهای خیر و معروف برای خویشاوندانش و یا برای غیر آنها وصیت کند، در صورتی که فهم و شعور داشته باشد، بنابر نظر مشهورتر، وصیتش جایز است. و گفته شده: حتی اگر به هشت سالگی برسد (و بصیر باشد) وصیتش صحیح است، اما روایتی که در این خصوص است مورد عمل فقها قرار نگرفته است.

۱۳ وَ لَوْ جَرَحَ الْمُوصِي نَفْسَهُ بِمَا فِيهِ هَلَكَهَا، ثُمَّ أَوْصَى لَمْ تُقْبَلْ وَصِيَّتُهُ. وَ لَوْ أَوْصَى ثُمَّ قَتَلَ نَفْسَهُ قُبِلَتْ.

وَ لَا تَصِحُّ الْوَصِيَّةُ بِالْوَلَايَةِ عَلَيِ الْأَطْفَالِ إِلَّا مِنَ الْأَبِّ، أَوْ الْجَدِّ مِنَ الْأَبِّ خَاصَّةً. وَ لَا وَلَايَةَ لِلْأُمِّ. وَ لَا تَصِحُّ مِنْهَا الْوَصِيَّةُ عَلَيْهِمْ، وَ لَوْ أَوْصَتْ لَهُمْ بِمَالٍ، وَ نَصَبَتْ وَصِيًّا، صَحَّ تَصَرُّفُهُ فِي ثُلُثِ تَرَكَتِهَا، وَ فِي إِخْرَاجِ مَا عَلَيْهَا مِنَ الْحُقُوقِ، وَ لَمْ تَمُضِ عَلَيِ الْأَوْلَادِ.



۱۳ اگر وصیت کننده به خود آسیبی بزند که منجر به مرگش شود؛ سپس وصیت کند، وصیتش قبول نمی‌شود. و اگر اول وصیت کند؛ سپس خودکشی کند وصیتش صحیح است. و وصیت برای ولایت بر اطفال، فقط از جانب پدر و جد پدری صحیح است. و مادر ولایتی ندارد. بنابراین، وصیت بر کودکان صحیح نیست. و اگر بخواهد مالی را برای فرزندان وصیت کند، و وصی‌ای مشخص کند، ولایت آن وصی بر مال صحیح است و می‌تواند تا ثلث ترکه‌ی مادر در آن تصرف کند، و حقوقی را که بر گردن مادر بوده است (حق الله یا حق الناس) از آن مال پرداخت کند ولی بر فرزندان ولایت ندارد (و حاکم شرعی کسی را به‌عنوان قیم آنها تعیین می‌کند).